

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل آیدولوژیک

عبداللطیف صدیقی للندری

کانادا – اول فبروری ۲۰۱۱

## رؤیای عشق

(۱)

سیر میگردم به شهبال خیال  
نالہ کردم گریه کردم ای خدا  
سیرها کردم ندانم ای خدا  
هر طرف نورت نمایان بی گمان  
لمس کردم نور پاک ذوالجلال  
داشتم در سر هوای دلبری  
داشتم از دل هوای کوی یار  
از لب هر شاخه گل آواز بود  
حوریان در سایه کوی و کنار  
گشت روشن اندرون سینه ام  
هر طرف در جلوه والای عشق  
دیده ام با چشم دل رؤیای عشق  
در نگاهم شد نما گلزار عشق  
آرزویی بوده اندر در دل مرا  
کهکشانهایش چشم جوی نور  
بوی عشق و بوی عطر نوبهار  
داشتم از عشق او پیروازها  
جوششی در جان و دل پیدا بشد  
شور عشقم هر طرف آواز داشت

تا ببینم عالم علم و کمال  
تا کنم حس جلوه ذات ترا  
کی بدانم که کجا رفتم کجا  
بوده، با چشم دلم دیدم عیان  
کس ندیدست این چنین جاه و جلال  
تا بیابم راهیما رهبری  
آرزوی قامت دلجوی یار  
عطر حق در برگ گل دمساز بود  
بفرشاند زلفکان مشکبار  
یافتم آن دلبر دیرینه ام  
نوربخش عالم یکتای عشق  
موج گوهربخش جان آرای عشق  
غنچه ها و شاخه پربار عشق  
دیدم و در جان بشد حاصل مرا  
یار را کردم تماشه همچو حور  
شد سراپای وجودم بی قرار  
در دل گوشم ز عشق آوازا  
عطر عشقم سنبل بویا بشد  
نغمه عشق دلم در ساز داشت

جانفشانی از درونم رخت بست  
بود در سر آتش و سودای یار  
در تن تو عشق راز و حکمت است  
عشق جانان در تنت گشته عیان  
در تن تو راز عشق اولیاست  
سعی کن تا در خدا فانی شوی  
زنده شد جان و دلم از بوی یار  
یافتم از عشق او خوش محرمی  
این نظاره در دلم افزون بشد

آشنای خود نما جان لطیف

خوش نوا ده نای سوزان لطیف